

## سوء استفاده داعش از منابع دینی اهل سنت

علیرضا علی خانیان

دانش آموخته علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی

### چکیده

اسلام دین اعتدال و عقلانیت و اخلاق و انسانیت می باشد و این اصول در تمام احکام آن رعایت شده است. اجتهاد صحیح و مطابق نیازهای روز می تواند تمامی اصول گفته شده را برای جوامع انسانی فراهم بکند و در پرتو فهم درست و استوار از منابع دین چون قرآن و سنت است که جامعه اسلامی به رشد و بالندگی فرهنگی خواهد رسید. نکته مهم اینجاست که این اصول اگر بر پایه ای محکم بنا شده و درست تفسیر شوند باعث شکوفایی فرد و اجتماع می شود و پیامد منفی نخواهد داشت و اقبال مردم به آن بیشتر خواهد شد. البته عکس مطلب بالا نیز صادق است اگر اصول گفته شده صحیح نباشند و بنای یک حکم فقهی بر اساس ظن و قیاس و گمان باطل باشد، قطعاً پیامدهای مخرب و منفی خواهد داشت و راه برای ظهور فتوای جاهلانه باز خواهد شد؛ و اینجاست که بسیاری از فتوای صادر شده جدید مخالف عقل سلیم و شرع مقدس خواهد شد. در عصر حاضر با ظهور فرقه های نو ظهور در ادیان و مخصوصاً اسلام با چنین معضلی روبرو هستیم، گروهک تروریستی داعش که در چند سال اخیر بروز پیدا کرده و هویت واقعی خویش را نشان داده، از نمونه های بارز معضل کج فهمی های دینی می باشد. گروهکی که داعیه اسلام ناب دارد و خود را دولت اسلامی عراق و شام می داند و همه را غیر خویش تکفیر میکند در چند سال اخیر عامل جنایت های کثیف و فجایع انسانی شده است. نگارنده در این مقاله به روشن ساختن این مطلب است که این گروه چگونه از منابع فقهی اهل سنت سوء استفاده کرده و احکام را به نفع خویش مصادره میکنند.

واژه های کلیدی: داعش، منابع اهل سنت، منابع فقهی، اسلام.

## مقدمه

## ۱- آشنایی با داعش

برای اینکه با گروه داعش آشنا شویم که عقبه این تفکر وابسته به تفکر وهابیت است لذا معرفی اجمالی وهابیت ضروری می‌نماید.

## ۱-۱- مکتب سلفی گری

باید بدانیم که وهابیت از طرفداران و پیروان سرسخت مذهب حنبلی هستند و تیوری پرداز این جریان فکری و این حرکت سلفی گری احمد ابن حنبل است. (مشکور، ۱۳۸۶: ۲۷) احمد ابن حنبل از فقهای سده دوم در مدینه و رییس مکتب حنبلی است که به حدیث بسیار بها می داد و در مقابل اهل رای قرار داشت. (مشکور، ۱۳۷۶: ۸۵) با پیشرفت اسلام در سایر ملل غیر مسلمان و پیدایش نهضت ترجمه از یونانی و رومی به عربی، احمد ابن حنبل از آنجایی که محتویات عقاید وارداتی را با اصول اسلام هماهنگ ننمود. در برابر این نوع از علوم جبهه گیری کرده و از اساس فتوا به تحریم آن داد. تا بدین ترتیب احادیث را به خیال خودش از دستخوش تحریف حفظ نماید.

این عمل احمد ابن حنبل خطرش کمتر از هجوم علوم بیگانه به سرزمین اسلامی نبود. چراکه وی نقش عقل را در فهم دین انکار نمود و با سرسختی هرچه بیشتر از ورود تفکر عقلانی در دایره حدیث جلوگیری نمود که متأسفانه لطمات جبران ناپذیری بر پیکره حدیث وارد کرد که آثار منفی آن تا کنون باقی است. (ضمیری، ۱۳۸۴: ۶۲)

از زمان شکست امپراتوری عثمانی، انگلستان به دنبال آن بود که هر چه بیشتر بر حجاز که حالا عربستان سعودی خوانده می‌شد مسلط شود و از همان قرن ۱۹ پروژه های مختلف و چند وجهی را دنبال می‌کرد که از جمله آنها تهی کردن مسلمانان از عقاید اصیل با بازپرووری عقاید ابن تیمیه<sup>۱</sup> و اضافه کردن تحریف های دیگر توسط محمد ابن عبدالوهاب بود و با امتزاج قدرت آل سعود و انحراف محمد ابن عبدالوهاب<sup>۲</sup>، توانست شکاف بزرگی در بین مسلمانان بوجود آورد. مسلمانان از دیرباز به دو مذهب کلی تقسیم شده بودند، اما به هر حال توانسته بودند برغم اختلافات به نوعی همزیستی مسالمت آمیز برسند. کار محمد ابن عبدالوهاب از ان جهت مهم بود که بطور صریح و آشکار به تکفیر تشیع پرداخت و از اعلام ان ابائی نداشت وبه این شکل توانست آرامش و همزیستی را از بین ببرد. حکومت آل سعود هم در پشتیبانی از فکر تکفیر و فکر انحراف از اسلام ناب فروگذار نمی‌کرد. پروژه انگلیسی عبدالوهاب برای اولین بار پای غرب را به قضایای داخلی عقیدتی اسلام باز کرد و تا قبل از ان کسی جرات نکرده بود تا این حد جلو بیاید.

اینچه امروز در شام و عراق و همه نقاط اسلامی از مراکش تا اندونزی مشاهده می‌شود، دست آورد بیش از ۱۵۰ سال اجرای غربی - صهیونیستی با کمک افراد نفوذی در درون جامعه اسلامی است و کار ۱ سال و ۱۰ سال گذشته نیست. حداقل ۱۲۰ سال کار مداوم و پشت سر هم پشت سر پروژه داعش و خواهان آن در سایر بلاد اسلامی است که امروز میوه ان (برای غرب) را برداشت می‌کنند. اگر نقشه غرب بگیرد خواهند توانست برای چند قرن خیال خود را بابت بیداری واقعی اسلامی راحت کنند. تکفیر مسلمانان، سر بریدن ها، تجاوز به زنان مسلمان، ویران کردن اماکن متبرک اسلامی، خشونت بی حد و حصر بطور مستقیم حاصل افکار محمد ابن عبدالوهاب مزدور و گماشته انگلستان است. هدف نهائی محور فوق الذکر آن است که با به جان

<sup>۱</sup> -تقی‌الدین احمد بن تیمیه الحرائی معروف به ابن تیمیه و ملقب به شیخ الاسلام فقیه و متکلم مسلمان دوره حمله مغول بود (م ۷۲۸) در این قرن یاد کردنی است. ابن تیمیه چهره جنجالی و نویسنده بلند آوازه این قرن است.

او در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی قلم زده و تأثیر گسترده‌ای در جامعه اهل سنت بر جای نهاده است. چگونگی و چرایی این تأثیر، قابل توجه و تأمل است. او که داعیه سلفی‌گری داشته است، از تعصب و یکسویه نگری شگفتی برخوردار بود. ادعاهای گزاف او گویا در روزگار خودش نیز شهره بوده است. ابن بطوطه که داستان کتک خوردن او را به لحاظ پاره‌ای از اظهار نظرهایش در مسجد جامع دمشق دیده و نقل کرده است می‌گوید: از فقهای نامدار حنبلیان در دمشق، بزرگ مردم شام تقی الدین ابن تیمیه بود که در فنون مختلف علم، سخن می‌راند لکن عقلش پاره‌سنگ بر می‌داشت.

<sup>۲</sup> - بنیانگذار فرقه وهابیت در عربستان

هم انداختن مسلمانان و بوجود آوردن کشت و کشتار بتوانند، خود بطور مستقیم و در سایه اضمحلال حکومت های اسلامی، بر ثروت های پیدا و پنهان آنها مسلط شده و برای همیشه از دست اسلام و مسلمانان خلاص شوند. براساس احادیث هم رسول مکرم اسلام صلوات الله علیه و اله پیش بینی فرموده بود که: "سرزمین نجد سرزمین زلزله ها و فتنه هاست و از همان جا شاخ شیطان ظهور خواهد کرد".

شاخ شیطان بنا بر اجماع علما همان وهابیت است که ریشه در افکار ابن تیمیه دارد و انگلستان مکار هم در قرن ۱۹ اضافاتی بر آن داشته و به عنوان مکتبی که دشمن اصلی مسلمانان را نه یهود و نصاری بلکه فرق و مذاهب اسلامی (تشیع) و هر آنکه مستقل باشد، می داند. برای همین است که وقتی از داعش می پرسند چرا به اسرائیل حمله نمی کنید؟ پاسخ می دهند که ما ماموریت نداریم که به اسرائیل حمله کنیم و خدا از ما چنین چیزی را نخواست است. اگر کسی کمترین اشنائی را داشته باشد می داند که تمام تمرکز وهابیت بر نسل کشی شیعیان و هر کس که با آنها زاویه داشته باشد است و به سبب ذات وهابیت، آنها برای کشت و کشتار داخل جامعه اسلامی بوجود آمده اند. راز آنچه داعش امروز به دنبال آن است از اینجا نشات می گیرد. برای همین است که تمام مدارس وابسته به آنها، یک فکر را تولید می کند چه این مدرسه در اندونزی و مالزی باشد چه در پاکستان و افغانستان و چه در مصر و شام و عربستان و چین و بوسنی، تخصص پا یان نامه همه فارغ التحصیلانش، خون اشامی، بی رحمی و خشونت، تجاوز و تکفیر است.

## ادبیات تحقیق

### ۱-۲- تاریخچه تشکیل داعش

در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ م. پس از نشست شماری از گروه های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست «ابوعمر البغدادی» به عنوان سرکرده آن تعیین شد. پس از کشته شدن «ابوعمر البغدادی» در ۲۰۱۰/۴/۱۹ «ابوبکر البغدادی» به عنوان جایگزین وی معرفی شد. با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند. البته نظر دیگر این است که تاریخ تشکیل داعش به پس از حمله نظامی آمریکا به عراق در بهار سال ۲۰۰۳ برمیگردد. در سال ۲۰۰۴ این گروه رسماً اعلام وجود کرد و بیعت خودش رو با القاعده اعلام کرد و در آن زمان با نام القاعده عراق و سپس حکومت اسلامی عراق فعالیت داشت.

### ۱-۳- رابطه داعش با وهابیت

اثبات ارتباط گروه های تروریستی با وهابیت، نیازی به اقامه دلیل ندارد؛ زیرا عقاید و تفکرات، نحوه عملکرد و موضع گیری آنان در قبال مسلمانان و اعمال خشونت و ارتکاب جنایت آنان خود دلیل روشن بر این است که این گروه ها، گروه های تروریستی وهابیت است که در کشورهای اسلامی از طرف این فرقه به وجود آمده اند. امروز تمام تکفیری های جهان ریشه در فرقه وهابیت دارند به گونه ای که اگر وهابیت و دولت آل سعود از زمین برداشته شود دیگر چیزی به نام تکفیری در دنیا معنا ندارد. در زیر چند نمونه از پشتیبانی های وهابیت از داعش آورده می شود:

- ۱- «عبدالله المحیسنی» شیخ وهابی سعودی از گروه های تروریستی داعش درخواست کرد که به عراق بازگردد و جنگ در سرزمین شام را به گروه النصره واگذار کند. وی از اختلافات بین داعش و النصره انتقاد کرد و از مخالفت داعش با طرح وی به منظور تشکیل دادگاه اسلامی برای حل اختلافات میان گروه های مختلف در سوریه از جمله داعش و النصره نیز انتقاد کرد
- ۲- یک رسانه آمریکایی از سرمایه گذاری عظیم آل سعود در تجهیز گروهک تروریستی داعش خبر داد.
- ۳- پایگاه خبری «ورلدنت دیلی» نوشت: منابع مطلع منطقه ای اعلام داشتند که نیروهای داعش به شدت از سوی آل سعود تجهیز شده اند. بر اساس این گزارش، یک منبع مطلع در گفت و گو با ورلدنت دیلی اظهار داشت که عربستان سعودی اخیراً ۳۰۰ میلیون دلار کمک مالی را به نیروهای داعش اهدا کرده است

پس با این اوصاف شکی نیست که داعش زاینده تفکرات جمود وهابیت است و همچنان وهابیت آنان را مورد حمایت های مادی و معنوی خویش قرار می دهند.

#### ۱-۴- مهمترین تفکرات داعش:

۱. گروه داعش مانند فرقه وهابیت با کفار و دشمنان اسلام هیچ مشکلی ندارد. این گروه با الهام از فرقه وهابیت تمام مسلمانانی را که از آنان پیروی نکنند محکوم به کفر نموده و جان و مال و ناموس آنان را برای خود حلال می دانند. این مدعا از عملکرد و رفتار آنان در عراق و سوریه کاملاً قابل اثبات است.

۲. تخریب قبور انبیا، صحابه و بزرگان دین و بی احترامی نسبت با آنان از عقاید بارز فرقه وهابیت است که امروز در عراق و سوریه از طرف این گروه عملی می شود. آنان در این مدت کوتاهی که بر برخی مناطق سوریه و عراق مسلط شده اند بنابر آنچه که در رسانه ها منعکس گردیده، قبرهای پیامبران و شخصیت های بزرگ اسلامی را تخریب یا نبش کرده اند، مثلاً تخریب و نبش قبر حجر بن عدی صحابه رسول خدا که توسط معاویه بن ابی سفیان در دمشق به شهادت رسید، توسط این گروه در رسانه های جهان منعکس شده و جسد مطهر این صحابی بزرگوار را که هنوز سالم بوده به مکانی نامعلوم منتقل کرده اند. همچنین این گروه آرامگاه جعفر بن ابی طالب برادر امیر المؤمنین (ع) معروف به جعفر طیار صحابی دیگر رسول خدا را، در منطقه «المزار» در ولایت کرک واقع در جنوب اردن را به آتش کشید.

تکفیری های داعش قصد انفجار بیش از ۵۰ ضریح در موصل از جمله ضریح ادریس پیامبر را دارند؛ و در این راستا مسجد شیث و جرجیس نبی در مرکز موصل و نیز قبرهای مبارک این پیامبران الهی را منفجر کرده اند.

۳. خشونت در کشتار و رفتار غیر انسانی با کشته ها از نمادهای مهم این گروه است. آنان مخالفان خود را به بدترین وضع می کشند و سپس اجساد آنها را مثله نموده و حتی با سرهای بریده بازی فوتبال انجام می دهند.

این گروه تروریستی وهابیت حتی کشتار جنین در شکم مادران شان را از برنامه های عملیاتی خود قرار داده اند. طبق افشاگری یک پزشک انگلیسی به نام دیوید نات که به صورت داوطلبانه به سوریه سفر کرده بود، تک تیر اندازهای داعش زنان باردار را هدف قرار داده و با کشتن جنین آنها، سیگار جایزه می گیرند! وی گفت که شاهد هدف قرار دادن غیرنظامیان سوری حتی در مناطق عاری از درگیری بوده است.

۴. آدم خواری برخی از اعضای گروه داعش یکی دیگر از رفتارهای غیر انسانی این گروه است که با اجساد مخالفین خود انجام می دهند. فرمانده سلفی سوری به نام ابوصقر که تا کنون چندین ویدیوی خشن از خود در فضای مجازی و خصوصاً وب سایت یوتیوب منتشر کرده خشونت را به اوج خود رساند است.

ابوصقر سینه یک سرباز علوی را می شکافت و قلب او را در آورده و به دندان می کشد خشن ترین و هولناک ترین ویدیویی است که تا کنون از وقایع سوریه بر روی فضای مجازی منتشر شده است.

۴. جهاد نکاح که از طرف مفتیان وهابی برای آنان جایز شده فقط این گروه و گروه جبهه النصره به آن عمل می کنند. یکی از تأسف بارترین فتوای وهابیت در زمان معاصر که مسلمانان را متحیر نموده است، حکم و جواز جهاد نکاح است. این فتوا بعد از جنگی که از طرف تکفیری های وابسته به گروه وهابیت، بر دولت و مردم سوریه تحمیل گردید، توسط مفتی جوان و تحصیل کرده وهابیت به نام محمد العریفی صادر گردید.

این شیخ وهابی تاکنون چندین فتوای عجیب و غریب صادر کرده است که فتوای جواز جهاد نکاح آن کاملاً متضاد با دین مبین اسلام و شریعت ناب محمدی است. در این فتوا به شورشیان سوری، اجازه داده شده تا با دختران و زنان، ازدواج کوتاه و چندساعته داشته باشند. شیخ عریفی در این فتوا گفته است که بهترین جهادها، جهاد نکاح است و ازدواج بین این مجاهدین و زنان می تواند تمایلات شهوانی این جنگجویان را برآورده کرده و عزم آنها را برای جنگ با دولت بشار اسد افزایش دهد. متن سخن عریفی که در تویتر از طرف خودش منعکس شده است اینگونه است:

«زواج المناکحة التي تقوم المسلمة المحتشمة البالغة ۱۴ عاما فمافوق او مطلقاً او ارملةً جائز شرعا مع المجاهدين في سوریه و هو زواج محدود الاجل بساعات لكي يفسح المجال لمجاهدين آخرين بالزواج كذلك و هو يشد عزيمة المجاهدين و كذلك هو من الموجبات دخول الجنة لمن تجاهد به».

این ازدواج‌ها که وی آن را ازدواج‌های مناکحه یا موقتی می‌نامد، شامل زنان و دختران ۱۴ سال به بالا، مطلقه‌ها و بیوه‌ها می‌شود. او همچنین در این فتوا، بهشت را به آن دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با شبه نظامیان رضایت می‌دهند، وعده داده است.

این فتوا موج عظیمی از خشم جهان اسلام را در پی داشت و بسیاری از علمای اهل سنت علیه این فتوا موضع گرفتند و آن را نوعی زنا و ترویج فساد و فحشا دانستند تا این که عریفی تحت فشارهای اسلامی و عربی ناگزیر شد فتوای خود را پس گرفته و اعلام کند که این فتوا از وی صادر نشده است؛ اما این انکار عریفی مانع از آن نشد که شورشیان سوری آن را تحریم کنند بلکه همچنان بسیاری از آنها به این فتوا عمل می‌کنند.

این فتوا منجر به گسترش فساد و فحشا در میان شورشیان سوری گردید و بسیاری از آنان پدران سوری را مجبور می‌کنند تا دخترانشان را در اختیار آنان قرار دهند وگرنه دشمن خدا بوده و مستحق مرگ هستند. این فتوا تنها به نکاح موسوم به جهاد خلاصه نشد بلکه منجر به ظهور پدیده‌ی لواط و همجنس‌بازی در میان گردان‌های شورشی نیز گردید. اخیراً تصاویری منشتر شده است که نشان از گسترش این پدیده شوم در میان شورشیان سوری دارد.

۵. افراط در زدودن مقدسات اسلامی از شاخصه‌های دیگر این گروه است. این گروه با بهانه توحید در عبادت هیچ امر مقدسی را برنتابیده و حتی کعبه را مظهر شرک دانسته و اعلام نموده که باید کعبه از بین برداشته شود تا مسلمانان آن را عبادت نکنند.

۶. شکنجه کودکان از نمادهای دیگر خشونت در گروه داعش است. این گروه تمام معیارهای انسانی را زیر پا گذاشته و کودکان غیر مکلف را زندانی و شکنجه نموده و حتی آنان را می‌کشند.

اگر چه این گروه دارای فتاوی زشت دیگری نیز می‌باشند ولی موارد بالا من با ب مثال آورده شد است. در ادامه به باز خوانی چند فتوا از احکام داعشیان پرداخته می‌شود و سپس به بررسی و واکاوی نحوه سوء استفاده داعش از منابع دینی اهل سنت می‌پردازیم.

## ۲- سوء استفاده‌های داعش از منابع دینی

### ۲-۱- تحریف و سوء استفاده از مکتب جهادی

اگر چه داعش داعیه اسلام ناب را دارد و چنین باور دارد که ما به دنبال احیا کردن اسلام پیامبر می‌باشیم اما با دقت نظر در مکتب آنان و کارخانه تولید و افکار و عقیده آنان چنین بدست می‌آید که در ابتدا تشکیل گروه‌هایی مثل القاعده، طالبان، النصره، و... با تفکر جهادی و برای مقابله با صلیبیان و یهودیان بوده است اما در طی این سالهای گذشته این تفکر دچار چرخشی صدو هشتاد درجه ای گردید چرا که آنان گفتند باید نخست سراغ اسلام راستین رفت (سلف صالح) اسلام پیامبر در بدو اسلام، اسلام صحابه و یاران او به طوری که از متفکران معاصر مصری چون رشید رضا نیز اندیشه سلفی داشته است آنان گفتند برای رشد و پیشرفت اسلام مشکل اصلی خود مسلمانان هستند، و سپس اندیشه تکفیری را گسترش دادند و به این نتیجه رسیدند که نخست باید مسلمانان را اصلاح کنند و سپس به جهاد با سایرین بپردازند (برنامه حقیقت شبکه خبر جمهوری اسلامی)

چنانچه در بالا آمد وهابیت با انحراف از حکم جهاد ابتدایی خود که در ابتدای امر بر آن باور داشت با برگشتن از این باور نوک نوک پیکان جهادی خود را به سمت مسلمانان نشان رفتند؛ و به دلایلی که گفتیم اکثر مذاهب اسلامی و مخصوصا امامیه را تکفیر کردند.

حال گروه داعش و پدر معنوی آنها وهابیت، با سوءاستفاده از این تفکر جهادی به ترغیب جوانان سنی و غیر سنی برای پیوستن به آنان نقشه خویش را اجرایی کردند و ما می بینیم که متاسفانه هرروزاز نقاط مختلف دنیا با فتوای علمای وهابی داعشی جوانان زیادی به این گروه ملحق می شوند. حکم جهاد که می بایست برای مقابله با دشمنان اسلام و مبارزه با کسانی که آشکارا و پنهان، مستقیم و غیر مستقیم با اسلام و ملت های مسلمان عناد و توطیه می کنند به کار گرفته شود، این گروه متاسفانه یهود و درراس آنان صهیونیست را که طبق قرآن دشمن ترین دشمنان نسبت به اسلام و مسلمین است را رها کرده و به جان مسلمانان و امت اسلام در بلاد اسلامی افتاده اند. وبا کشتار کودکان و زنان و مردم بی گناه هر روز نسبت به انزجار و نفرت عمومی در سطح بین الملل نسبت به دین اسلام می افزایند.

## ۲-۲- سوء استفاده داعش از فتوای علمای اهل سنت نسبت به تخریب قبور

نخست چند نمونه از سخنان آنان نسبت به قبور آورده می شود و سپس به نقد آن پرداخته می شود. سوء استفاده دیگری که این گروه جمود از گفته های علمای اهل سنت و مخصوصا گفته ابن تیمیه کرده اند تخریب قبور و اماکن مقدسه است. ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه چنین می گوید: بنای قبور از صورت بت ها و طاغوت ها برگرفته شده و مورد پرستش قرار می گیرد ویران نمودن آنها واجب است، و پس از قدرت بر ویرانی، ابقای آنان به همان صورت حتی یک روز جایز نیست چرا که آنها به منزله لات و عزی بوده و بزرگترین شرکهاست (طیسی، ۱۳۸۴: ۲۶)

قاضی القضاة وهابیهها (عبداله ابن سلیمان بلهید) در روزنامه ام القری می گوید تا قبل از قرن پنجم ساختن بنا معمول نبوده و این بدعتی است که از قزن پنج به بعد ایجاد شد.

پاسخ منسوب به علمای مدینه که چنین می گوید: ممنوعیت ساختن بنا بر قبور اجماعی است و احادیث صحیحی بر ممنوعیت آن دلالت دارد از آن جهت گروهی بر تخریب و ویران کردن آن فتوا داده اند.

احتجاج به حدیث ابی الهیاج، علمای وهابی درجواز تخریب قبور به حدیث مذکور استناد می کنند، که امیر المومنین علی ابن ابی طالب به ابی الهیاج چنین گفت: آگاه باش که من تو را به ماموریتی که پیامبر مرا به سوی آن اعزام کرده، اعزام می کنم هیچ تصویری را ترک مکن مگر آن را محو کنی و هر قبر بلنی را که دیدی آنرا مساوی و برابر ساز.

## نقد حدیث مذکور

مناقشه در دلالت حدیث

(الف) این حدیث شاذ است و فقط ابی الهیاج آنرا نقل کرده است، سیوطی در شرح نسایی می گوید: در کتاب های روایی فقط همین یک حدیث از ابی الهیاج نقل شده است.

(ب) حدیث یاد شده دلالتی بر مدعی آنان ندارد چون دستور می دهد که روی قبر را همسان و یکسان کنید و از این که روی قبر ناهماهنگی و برآمدگی وجود داشته باشد، نهی می کند. عبارت "لا قبرا مشرفا" به معنای بلندی است. البته برآمدگی و ناهماهنگی خود نوعی بلندی است. شرف، علو و کوهان شتر را گویند چنانکه فیروز آدی در قاموس المحيط به همین مطلب تصریح نموده است بنابر این شرف به مطلق بلندی اطلاق می شود خواه این بلندی و ناهمواری مثل کوهان شتر و چشت ماهی باشد و یا نقاط بلند و مرتفع کاخها

"سویتة" مساوی قرار دادن قرینه است، مراد از تسویه هم سطح و یکسان نمودن و راست کردن کج و معوج است به عبارت دیگرسه احتمال در روایت وجود دارد:

۱. بناهای بلند که بر روی قبر برافراشته شده ویران شود.
۲. قبرها را با زمین مساوی قرار دهند.
۳. هر قبری که روی آن ناهمواری بلندی و پستی مانند کوهان شتر یا پشت ماهی وجود دارد صاف کنند و به صورت مسطح در بیاورند.

احتمال اول مردود است چون سیره صحابه و عمل مسلمین بر خلاف آن است که به نمونه هایی اشاره می شود. احتمال دوم هم درست نیست چون سنت قطعی به ارتفاع قبر از روی زمین به اندازه یک وجب دلالت دارد؛ اما احتمال سوم که همسطح و یکسان نمودن قبر و از بین بردن هر گونه کجی و ناهمگونی روی قبرمی باشد به طوری که برآمدگی نداشته باشد؛ و این قول را جمعی از علمای اهل سنت مثل نووی و قسطلانی روایت را همین طور شرح کرده اند. چنانکه ترمذی در سنن خود این حدیث را در باب "ما جاء فی تسویه القبور" آورده باری که در آن روایت مربوط به صاف کردن قبر آورده است نه "هدم القبور" این خود حکایت میکند که وی از تسویه قبور، تسطیح قبر را فهمیده و گرنه تعبیر یادشده را به هدم القبور تغییر می داد. در حالی که وهابیان و داعشیان این روایت ترمذی را دلیل بر عدم جواز بنا بر روی قبر تفسیر کرده اند. لذا سخن این حجر که در کتاب ارشاد الساری که گفته: گفتار ابن تیمیه در منع زیارت قبر نبی از زشت ترین مسایلی است که از وی نقل شده است.

### سیره صحابه و عموم مسلمین

قبور پیامبران زیادی در اطراف بیت المقدس وجود دارد مثل قبر حضرت داود (ع) حضرت ابراهیم (ع) و اسحاق و یعقوب و ... در شهرالخلیل روی آنان بناهای بلندی قرار دارد و قبل از اسلام بر روی آنها سنگهای بزرگی بود و تا زمانی که اسلام آن سرزمین را فتح کرد به همان شکل بود.

ابن حجر عسقلانی در کتاب ارشاد الساری می گوید: مقصود از سخن ابی الهیاج آن نیست که قبر با زمین از نظر سطح یکسان باشد، بلکه مقصود آنست که روی قبر صاف و مسطح باشد هر چند خود قبر بلند تر از زمین باشد. نکته جالب اینجاست که ابن تیمیه خود بدان تصریح کرده و می گوید ساختمانی که روی قبر ابراهیم خلیل قرار داشت در زمان فتح و حضور صحابه موجود بود. پس شکی نیست که جناب عمر خلیفه دوم وقتی بیت المقدس را فتح کرد و آن بنا را دید اما دستور به ویرانی آنرا نداد.

پس معلوم می شود که داعش با برداشتی سطحی از یک حدیث و کج فهمی این حدیث را به نفع خویش مصادره کرده و آنرا جوازی و توجیهی شرعی بر تخریب قبور انبیا و صحابه قرار داده و از آن سوء استفاده کرده است. (طبسی، ۱۳۸۴: ۱۴-۲۵)

### ۲-۳- سوء استفاده از حکم سب و لعن کننده خلفا

بر اساس مشروعیت جهاد ابتدایی گروهک اسلامی داعش قیام می کند، نظریه فقهی آنان کشتن هرکسی است که: ۱. خلفاء را قبول ندارد ۲. یا آنان را سب و لعن و هتک می کند، در قیام خود با مردمی روبرو می شوند که خلفاء و اهل سنت را یا سب و یا لعن و یا هتک حیثیت می کنند، در تلاقی حکم (کشتن سب کننده) و موضوع (سب شیعیان) گروهک داعش به فتوای خود عمل می کند

از دید فقه سنتی، گروهک داعش در کشتار شیعیان نسبت حکم و موضوع را متناسب می سازد و بعد به حکم در ظرف موضوع عمل می کند. آنان شیعیان را می کشند چون به فتوای فقهای مقلدشان خلفای راشدین را سب و یا لعن و یا هتک حیثیت می کنند. داعش در جهاد خویش بر اساس تلقی خود از دین شیعه را «منحرف از مبانی اسلام» و «مرتد» و «کافر» می داند به همین دلیل است شیعیانی که به آنها نپیوندند را گردن می زند بیاید یکبار دیگر مسئله را مرور کنیم: ۱. گروهک اسلامی داعش شیعیان را به خاطر بعضی از عقائدشان و سب شیخین و اهل سنت «منحرف از مبانی اسلام» و «کافر کتابی» می داند ۲. این گروهک بر اساس فقه سنتی جهاد ابتدایی را جایز دانسته و به آن عمل کرده است ۳. فقهای سنتی در جنگ با کافر کتابی سه راه پیش روی آنان می گذارند، یکی تسلیم و پیوستن به گروه جهادگر، دیگری جزیه دادن، و آخر اینکه جنگ کنند و کشته گردند. شیعیان در حمله داعش به خود نه حاضر به تسلیم بودند و نه حاضر به پرداخت جزیه، پس طبق فقه اهل سنت شیعیان را که در تلقی خاص خود از دین «کافر کتابی» می دانند گردن می زنند.

## ۲-۴- سوء استفاده از حکم "مهذور الدم بودن مخالف حکومت اسلامی"

گروهک داعش مخالفین حکومت خود را بر اساس حکم فقهی «جهاد ابتدایی» مهذورالدم می داند. در کشتارهای داعش این مسئله را گفتیم که آنان در جهاد ابتدایی بر اساس فتوای فقهاء (کشف الرموزفاضل الآبی، ج ۱، ص ۴۱۸) مخالفین قیام خود را مجاز به کشتن می دانند. این مسئله ای است که فقها سنی در احکام جهاد ابتدایی صریحاً ذکر کرده اند. در فقه اهل سنت آمده: «اهل کتاب هم چنین هستند. با آنان جنگ می شود تا اسلام بیاورند یا کشته شوند، مگر اینکه به شرایط ذمه تن دهند» چنانکه از بین فقهای اهل سنت ابویعلی فرآء (احکام السلطانیة، ص ۱۵۸) و ابن تیمیة حرانی (فتاوی الکبری، ج ۴، ص ۶۰۱) نیز به همین گفته تصریح کردند.

از نظر فقه سنی «هر کسی که با حکومت دینی» مخالفت کند یا باید کشته شود و یا اینکه حداقل به حبس و تعزیرش رضایت می دهند. گروهک داعش برای احیاء و تحقق «حکومت اسلامی» نظریه «جهاد ابتدایی» را به میدان آورد و به وسیله آن قیام نمود، این گروهک حکومت ثبوتی خود را هرچند به اثبات در یک کشور نرسانده است لیکن چون هدف وی تشکیل یک «حکومت» با «قوانین اسلامی» است به همین دلیل مخالفت با آن عین مخالفت با حکومت اثباتی و تحقق یافته است. بجز نظریه جهاد ابتدایی و مهذورالدم بودن مخالفین پیوستن به گروه جهادی، می توان خیلی از مسائل دیگر را نام برد و مثال زد

## ۲-۵- سوء استفاده از احکام مربوط به جاسوس

خبرنگاری در مفاهیم قدیمی به عنوان «جاسوس» شناخته می شده است. خبرنگاری در امروزه این است که جدای از هدف خبرگذاری، خبرنگار اخبار روزانه را با صحت و سلامت خبر به خبرگذاری برساند. امروزه با پیشرفت تکنولوژی اخبار دست به دست بین مردم می چرخد و در اکثر اوقات نیازمند به وجود یک خبرنگار نیست. وجود احزاب در جامعه سیاسی امروز یک امر الزامی و مسلم هر ملتی است تا جایی که امروزه بعضی از فقهاء خود دارای احزاب هستند. استفاده از اخبار یک حزب توسط یک خبرنگاری برای نقد آن حزب امروزه یک روال عادی است که اگر خبر با صحت و سلامت نقل شود هیچ اشکال حقوقی به آن نمی توان وارد ساخت هرچند بر اساس همان خبر صحیح؛ یک حزب، حزب دیگری را نقد یا محکوم کند در روایات موجود اهل سنت (معجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۳۰۶۶) «جاسوس» همان حکم و موضوع خبرنگاری را دارد. اینکه گروهک داعش چند خبرنگار آمریکایی را گردن زدند در مبانی فقهی سنی چیز عجیبی نمی تواند باشد زیرا فقهای اهل سنت (الخراج ابویوسف، ص ۱۹۰) گردن زدن و اعدام «جاسوس: خبرنگار» را واجب می دانند چنانکه عینی از فقهای اهل سنت صریحاً قتل جاسوس را تجویز می کند (عمدة القاری، ج ۱۴، ص ۲۵۶). اهل سنت از سلمة بن الاکوع نقل کردند که جاسوسی آمد و نزد محمد (ص) نشست و سپس رفت، پیامبر (ص) دستور داد «طلبواه فاقتلوه - دنبالش روید و او را بکشید» (سنن ابی داود، ج ۳، ص ۴۹، ح ۲۶۵۴). از نظر این گروهک خبرنگاران آمریکایی و ... حکم جاسوس را داشتند به همین دلیل بر اساس همین متون روایی و فتاوایی فقهی آنان را گردن زدند.

## ۲-۶- سوء استفاده از حکم باغی

فقهاء باغی را کسی می دانند که «بر ضد امام و حاکم جامعه بشورد» از بین فقهای اهل سنت ابویعلی فرآء (احکام السلطانیة، ص ۶۲) و ابن قدامه (المغنی، ج ۸، ص ۱۱۴) و مرداوی (الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۱۵) قائل به حبس باغی شده اند لیکن حنفیه و مالکیه کشتن یا حبس را به نظر حاکم گذاشته اند (الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۴۲۱). پس طبق فقه سنی و با توجه به تلقی خاص از دین و دیانت، حاکمی که خود را عادل می پندارد می تواند مخالفین خود (باغیان) را زندانی کند و یا گردن بزند. حال اگر گروهک داعش که خود را صد در صد عادل می دانند چنین اعمالی را با مخالفین خود انجام دهند آیا خلاف شرع و فقه سنی کاری را انجام داده اند؟

مسائل را یکبار دیگر مرور کنیم؟ ایدئولوژی داعشی بر اساس متون فقهی اسلامی: ۱. جهاد ابتدایی را جایز می داند و آن را برای احیای حکومت مدتظر خود عملی نمود ۲. شیعیان را با توجه به تلقی خاص خود از دین «منحرف از مبانی اسلام» و «کافر کتابی» و «هتک کننده شیخین» می داند و به همین دلیل آنان را گردن می زند زیرا در جهاد ابتدایی وقتی «کافر کتابی»



تسلیم نشود به نصّ فتوایی سنتی باید کشته شود، پس وقتی با توجه به تلقی خاص از دین «شیعیان» کافرکتابی شناخته می شوند، زمانی که تسلیم عقائد جهادگران ابتدایی نگردند از نظر فقه سنتی کشتن آن افراد جایز است ۳. مخالفین حکومتی که خود را عادل می داند ولی مخالفینش آن را عادل نمی دانند حق دارد مخالفین خود را یا حبس و یا تعزیر و یا اعدام کند. چیزی که داعش امروزه دارد پیاده سازی می کند همان اقوال فقه سنتی سنتی است. هیچکدام از فقهای شیعه با مخالفین خود مانند داعش چنین کارهایی نکردند.

اینکه چرا داعشیون زنان و بچه های بی گناه را می کشند نیز در فقه سنتی دلیل دارد. عجیب است؟ یکبار دیگر مبحث «تلقی خاص از دین» را بخوانیم در این گیرودار هرکسی مذهب و عقائد خود را مقدس می داند. داعش نیز که از شاخه های برآمده از فقه اهل سنت است نیز همین ایدئولوژی را تصریح می کند، یعنی او هم بر اساس همین تلقی خاص از دین خود را حق مطلق و دیگران را تابع خود می داند. جهاد ابتدایی در فقه سنتی جایز دانسته شده است. حبس و اعدام مخالفین حکومتی که خود را عادل می پندارد در گزارش فقهی اهل سنت تجویز شده است. داعش حرف جدیدی نمی زند بلکه دارد قدم به قدم فقه ۱۲۰۰ ساله سنتی را پیاده می کند، خارج از مباحث کلامی از لحاظ و دید فقهی داعش دارد مو به مو احکام و نظرات فقهای ۱۲۰۰ ساله اسلام را پیاده سازی می کند. اینکه گروهک اسلامی داعش بچه ها و زنان و ناتوانان مخالف حکومت خود را نابود می کند بر این دلیل فقهی قائم است:

در بحث «جهاد ابتدایی» گفتیم که فقهاء اعتقاد دارند مردمان جنگ زده از جنگ ابتدایی اگر کافر غیرکتابی باشند یا باید تسلیم جهادگران شوند یا اینکه کشته گردند و اگر کافرکتابی باشند یا باید تسلیم شوند و یا جزیه بدهند و یا اینکه کشته گردند، زنان و کودکانی که مقابل داعش که جهاد ابتدایی کرده بود نه تسلیم شدند و نه حاضر به پرداخت جزیه گردند، پس طبق فتوای فقهاء کشته شدند. (سایت تبیان، با اقتباس از مقاله آقای سید محمد عقیقی)

## ۲-۷- سوء استفاده داعش از روایات آخرالزمان

داعشی ها با استناد به یک حدیث، دیدگاه های «آرماگدونی» خود را توسعه داده اند؛ دیدگاهی که مورد توجه برخی از مسلمانان سنی مذهب، در مناطق مختلف دنیا، قرار گرفته است. آن ها برای خود پرچمی سیاه برگزیده اند. آن ها به خوبی توانسته اند با همین گفتمان، موضوع رژیم صهیونیستی و اشغال قدس شریف را برای نیروهایشان به یک موضوع درجه دوم تبدیل کنند

در پی دیدگاه های آخرالزمانی. این گفتمان جدید، اعتقاد به موضوع آخرالزمان و آینده گرایی مذهبی است؛ گفتمانی که بعدها توسط داعش به شدت مورد توجه قرار گرفت. شاید بتوان رویکرد شیعیان و حتی آمریکایی ها در موضوع وقایع آخرالزمانی و خلاء نسبی حاکم بر اندیشه های علمای اهل سنت را یکی از دلایل این رویکرد جدید فرض کرد. داعشی ها چنان موضوع آخرالزمان و احادیث معدود آن در منابع اهل سنت را جدی گرفته اند که نام ارگان رسمی آن ها، «دابق»، ریشه در همین اعتقادات جدید دارد.

## دابق تقلیدی از آرماگدون

دابق، شهری بسیار کوچک در سوریه است. این شهر از نظر نظامی جایگاه ویژه ای ندارد. با این حال، نیروهای داعش، با سماجت فراوان و تحمل تلفات بسیار سنگین، آن را اشغال کردند و سپس به جشن و پایکوبی در آن پرداختند. دلیل این سماجت در اشغال دابق، ظاهراً حدیثی است که داعشی ها مدعی هستند ابوهیره از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده و در کتاب «صحیح بخاری»، از کتب مشهور حدیث اهل سنت، آمده است. طبق این حدیث، که باید درباره صحت آن تحقیق کرد، پیش از قیامت، مسلمانان با کفار یا رومی ها - که به زعم داعشی ها نیروهای ارتش سوریه هستند - در دابق خواهند جنگید و با وجود تلفات سنگین، این شهر را متصرف خواهند شد. کسانی که از مسلمانان کشته می شوند، برترین شهدای اسلام هستند.

داعشی‌ها با استناد به همین حدیث ایده‌های «آرماگدونی» خود را توسعه داده‌اند؛ دیدگاه‌هایی که مورد توجه برخی از مسلمانان سنی مذهب، در مناطق مختلف دنیا، قرار گرفته‌است. آن‌ها برای خود پرچمی سیاه برگزیده‌اند. در تقسیمات سیاسی آن‌ها، ولایت خراسان جایگاه مهمی دارد، چراکه برخی احادیث از نقش این منطقه و مردم آن در آخرالزمان حکایت کرده‌است. آن‌ها در نخستین شماره نشریه دابق، از بازگشت «خلافت اسلامی» سخن گفته‌اند. خلیفه مورد نظر آن‌ها، یعنی «ابوبکر البغدادی»، با نسب و پیشینه‌ای کاملاً مطابق با باورهای داعشی معرفی می‌شود. آن‌ها او را «هاشمی»، «رضوی»، «حسینی» و «قریشی» معرفی می‌کنند. «البغدادی» نیز ظاهری مطابق با همین باورها دارد. او، در نخستین تصویر رسمی منتشر شده، عمامه‌ای سیاه بر سر و عبایی سیاه، بر تن دارد. دیدگاه داعشی‌ها برای القای باشکوه بودن دولت خود، از تمام فاکتورهای خلافت‌های پیشین، که مورد احترام اهل سنت قرار داشته‌است، استفاده می‌کنند؛ از خلافت اموی گرفته، تا عباسی و حتی عثمانی. آن‌ها تعبیر «امامت سیاسی» را در تفکراتشان جدی گرفته‌اند و این طور وانمود می‌کنند که برای آینده‌های دور نیز برنامه دارند. آن‌ها این تصویر را در میان مسلمانان اهل سنت تبلیغ و در واقع آنان را به سوی نبرد نهایی دعوت می‌کنند. موضوعی که نباید به هیچ عنوان از کنار آن به سادگی و بدون تأمل عبور کنیم متن این حدیث توسط داعشی‌ها اینگونه نقل می‌شود:

«لا تقوم الساعة حتى ينزل الروم بالأعماق أو بدابق فيخرج إليهم جيش من المدينة، من خيار أهل الأرض يومئذ، فإذا تصافوا قالت الروم: خلو بيننا وبين الذين سبقوا منا نقاتلهم، فيقول المسلمون: لا والله لا نخلي بينكم وبين إخواننا فيقاتلونهم فينهزم ثلث لا يتوب الله عليهم أبداً، ويقتل ثلث أفضل الشهداء عند الله، ويفتح الثلث لا يفتنون أبداً، فيفتحون قسطنطينية فينمنا هم يقتسمون الغنائم قد علقوا سيوفهم بالزيتون إذ صاح فيهم الشيطان: إن المسيح قد خلفكم في أهليكم فيخرجون وذلك باطل، فإذا جاءوا الشام خرج، فينمنا هم يعدون للقتال يسوون الصفوف إذ أقيمت الصلاة، فيتنزل عيسى بن مريم صلى الله عليه وسلم، فأههم، فإذا رآه عدو الله ذاب كما يذوب الملح في الماء، فلو تركه لذاب حتى يهلك، ولكنه يقتله الله بیده، فیریهم دمه فی حربته.»

### ۳- ضرورت اصلاح و بازنگری در منابع دینی

۱- باید فهم علمای پیشین از منابع دینی مورد بازنگری و اصلاح واقع شود تا مردم در فهم دین دچار اشتباه و سر در گمی نشوند؛ و کسی نتواند جوانان را به نام دین، حکم جهاد و جهاد نکاح و... و با ادله واهی شرعی فریب دهد و آنها را به قتل مسلمانان تشویق بکند.

۲- این وظیفه خطیر همه کشور های اسلامی، مراکز اسلامی، سازمانهای تحقیقاتی و پژوهشی دینی و حوزه های اسلامی و مدارس علمی است تا با تشکیل نهادهای همبستگی دینی و اتحاد بین مذاهب از بروز اختلافات مذهبی جلوگیری نمایند.

۳- این اصل را باید پذیرفت که تمام نوشته های پیشینیان در منابع دینی و سخنان علمای سلف نیازمند بازنگری و پاک سازی و تطهیر و تحقیق است، تا هر آنچه ملاک های آن هنوز معتبر است عمل شود و هر فتوا و مطلبی که ملاک آن در روزگار ما تغییر کرده است اصلاح شود و به اهل علم واگذار شود.

۴- اگر گروه یا تشکل خاصی در فهم برخی از منابع دینی دچار اشتباه شود متون و نصوص را مطابق میل و منافع خویش تفسیر کرد در این موارد باید موسسات دینی معتبر وارد عمل شوند و به طور قاطع با کج فهمی و کج اندیشی آنان برخورد کنند.

### نتیجه گیری

درباره رفتار وحشیانه و اجتهاد خشک و جاهلی گروهک داعش باید گفت اعمال آنها در زمینه فقهیات همگی مو به مو اجرا شده ی بخش کوچکی از فقه سنتی عامه است بدون کوچکترین تفکر در باره این احکام و بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و بدون اینکه گروه داعش بیاندیشد در قرن ۲۱ هستیم دنیای امروز دنیای پیشرفت و تکنولوژی است نه عصر جاهلیت بدو اسلام، در نظر ما فقه سنتی فقه روایت محور است که در مقابل فقه قرآن محور قرار دارد. بی شک گروهک داعش مبانی

فقهی خود را از گرایش فقه سنتی عامه اتخاذ کرده است که این گرایش منجر به صدور احکام خشن و شرم آور و نفرت انگیز شده است. مراد ما از فقه اهل سنت در این گفتار، فقه روایت محور است. ادعای ما در این نوشتار این است که «عملکرد گروهک داعش تا به حال، گام به گام عمل به فقه سنتی (فقه روایت محور: اخبارگرا) است. به عبارت دیگر عملکردهای داعش منطبق است در ظرف فقه سنتی». این فقط یکی از نشانه های عدم کارایی فقه سنتی است که بعد از ۱۲۰۰ سال دارد بوی جمودش وجدان ها را آزار می دهد و ضرورت اصلاح هرچه زودتر این منابع را می رساند اگر این منابع اصلاح نشوند و فقیهان فریقین روشن فکر و با بصیرت نباشند، باید منتظر ظهور فرقه های جدید و صدور بقیه احکام نظری و انجام نشده باشیم. آن موقع است که باید از فقه اخبارگرا به فقه اصیل و تفقه قرآنی پویا کوچ کنیم.

### منابع و مأخذ

۱. سایت شبکه خبر، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، [www.irinn.ir](http://www.irinn.ir)
۲. طبسی، نجم الدین، (۱۳۸۴) رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، چاپ دوم، انتشارات امیر العلم
۳. ضمیری، محمد رضا، (۱۳۸۴) جستاری در اندیشه فقهی مذاهب، چاپ اول، انتشارات گلستان معرفت
۴. مجموعه مقالات، مذاهب در آیینه گفتمان، پانزدهمین همایش علمی و تحقیقی، سال ۸۲، موسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی
۵. مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۶) سیر کلام در فرق اسلام، انتشارات شرق، چاپ اول
۶. مشکور، محمد جواد، (۱۳۸۶) فرهنگ فرق اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات آستان قدس رضوی

## ISIL Misuse Sunni Religious Sources

Alireza Ali Khanian

*Graduated from Quranic Science and Hadith of Bu Ali University*

---

### Abstract

Islam is a religion of moderation, rationality, morality and humanity, and these principles are observed in all its rulings. Correct ijthihad and according to the needs of the day can provide all the principles for human societies and in the light of a proper understanding of the sources of religion. The important point is that these principles, if based on a solid foundation and correctly interpreted, will result in the flourishing of the individual and the community and will have no negative consequences, and people will be more inclined to do so. Of course, the above picture also holds true if the stated principles are correct. And the construction of a jurisprudential ruling on the basis of suspicion and analogy and doubt, will surely have destructive and negative consequences and will open the way for the emergence of ignorant fatwas. And here is that many of the newly issued fatwas will be against the common sense and the holy religion. In the present age, with the advent of emerging sects in religions, and especially Islam, we face such a disaster; the ISIL terrorist group that has revealed itself in recent years and has shown its true identity is one of the obvious examples of the religious curiosity. A group that claims to be a pure Islam and considers itself to be the Islamic State of Iraq and the Levant, and it's an outsider all over the past few years has been the cause of dirty crimes and human catastrophes. An editor in this article is to make it clear that this How did the group abuse Sunni jurisprudential sources and confiscate sentences in their favor?

**Keywords:** ISIL, Sunni sources, jurisprudential sources, Islam

---